



سیاست‌های دینی مغولان و تأثیر آن بر ادیان و مذاهب؛ مطالعه موردی شیعیان ایران

پدیدآورده (ها) : پور موسوی، سید محمد علی

تاریخ :: تاریخنامه خوارزمی :: بهار 1393، سال دوم - شماره 3

از 51 تا 89

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1026785>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 17/01/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

سیاست‌های دینی مغولان و تأثیر آن بر ادیان و مذاهب؛

مطالعه موردی شیعیان ایران

سید محمدعلی پورموسوی^۱

چکیده

مقاله «سیاست‌های دینی مغولان و تأثیر آن بر ادیان و مذاهب؛ مطالعه موردی شیعیان ایران» در پی آن است تا با نگاهی تاریخی - تحلیلی ضمن بررسی نگرش سیاسی مذهبی مغولان و با در نظر گرفتن تسامح مذهبی که از سوی این قوم صحرا نورد در ایران، به اجرا درآمد وضعیت سیاسی، اجتماعی و مذهبی شیعه در این برهه از تاریخ ایران را مورد مذاقه قرار داده و مشخص گرداند سیاست تسامح مذهبی مغولان که تمامی ادیان و مذاهب موجود در ایران را از خود متأثر ساخته بود، چه سرنوشتی را برای شیعه و شیعیان به ارمغان آورده و چگونه موجب گردید که دانشمندان شیعی و بزرگان تشیع با استفاده از فضای به وجود آمده زمینه‌های قدرت-یابی شیعه در مقابل مذهب رسمی تسنن و ایجاد زمینه‌های لازم برای استقرار یک حکومت شیعی در ایران را فراهم نمایند.

کلید واژه‌ها: مغولان، تسامح مذهبی، شیعیان، مذهب مسلط، استقرار شیعه.

^۱ . دانش آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲ / ۱۱ / ۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳ / ۲ / ۴

مقدمه

می توان گفت حمله مغول به ایران از دهشتناک ترین حوادث تاریخ این سرزمین بود که هستی ایرانیان را بر باد داده و جز وحشت و ناامیدی نیفزود .

برخی معتقدند چنگیز خان مأموریتی مذهبی را از سوی خلافت عباسی در ایران پی گیری می نمود (میرخواند، ۱۳۸۰، ۳۸۳۱) .

تاریخ گواهی می دهد که سلطنت محمد خوارزمشاه بدلیل فساد حاکم بر آن ، تضعیف شده و دستورات نادرست، حاکمیت این خاندان را با مخاطره همراه نموده بود . از سوی دیگر وجود درگیری بین حکومت خوارزم و خلیفه بغداد نیز از دیگر دلایل بالارفتن هزینه حکومت برای خوارزم شاهیان شده بود به نحوی که قتل شیخ مجدالدین بغدادی (از مشایخ خوارزم) بدلیل یک اتهام، کشمکش مذهبی بین سلطان محمد ، با خلیفه عباسی را شدت بخشید (یزدی، ۱۳۸۷، ۱۰۹) .

از دیگر سو الناصرالدین الله (خلیفه عباسی) نیز سرکشی سلطان محمد بر اصول مورد نظر خلافت عباسی را تاب نیاورده و در اقدامی توهین آمیز ، علم جلال الدین حسن نو مسلمان را در حجاز بر علم محمد خوارزمشاه برتری داد (همان، ۱۰۹) . اموری از این دست و نیز کسب فتوا توسط سلطان محمد خوارزم شاه از علمای مختلف مبنی بر این که خلافت می بایست در اختیار خاندان آل علی قرار گیرد (سمرقندی، ۱۳۸۵، ۲۳۱)، به این کشمکش ها دامن زد تا به جایی که به قول میرخواند: « صفرای مزاج



خوارزم شاه جز به سکنجین مهابت چنگیز خان تسکین نیابد و غبار این فتنه که به هیجان آمده جز به تیغ آتشبار فرو ننشیند» (میرخواند، ۱۳۸۰، ص ۳۸۳۱).

این مسایل ادامه یافت تا این که چنگیز خان، بنا بر گواهی تاریخ در نقش بلاگردان خلافت عباسی در همه جبهه ها و کارزارها پیروز، چیره و مسلط گردید. در پی تسلط مغولان به ایران سلطان محمد خوارزمشاه که سودای براندازی خلافت عباسی را در سر می پرورانید و حتی سیدی ترمذی نام را نیز برای جانشینی خلیفه نامزد کرده بود خوار و ذلیل گشت (یزدی، ۱۳۷۸، ۱۰۹).

هجوم مغول به ایران و کشتار مردم آن با هیچ ایده ی مشخصی هماهنگی و هم خوانی نداشت و بی رحمی ها و ویرانگری های این هجوم، حتی با هجوم ها و ویرانگری های سایر قبایل صحرائشین در پیش و پس از این ماجرا متفاوت است (پتروشفسکی، ۱۳۴۱، ۵۳ - ۵۲).

ارقام کشتار و ویرانی شگفت انگیز و دهشت بار است. شهرها خالی از سکنه و کشاورزی و دامپروری منسوخ و یأس و ناامیدی مستقر می گردد. جوینی که خود هوادار مغولان است، می نویسد: و چون ... اکثر اعصار و بیشتر اقطار به عصیان و نقار تلقی نمودند و از قبول طاعت او (چنگیز خان) سرکشیدند خاصه بلاد اسلام از سرحد ترکستان تا اقصی شام هر کجا پادشاهی بود یا صاحب طرفی یا امین شهری که به خلاف بود بی مبالغت صدکس نمااند (جوینی، ۱۳۶۲، ۱۵۴ - ۱۵۵).



برای درک وضعیت مردم ایران پس از حمله مغول پطروشفسکی به وضعیت هرات پس از هجوم مغولان پرداخته و می نویسد : چند ده نفر بازماندگان مردم هرات برای سد جوع به راهزنی می پرداختند (پطروشفسکی، ۱۳۴۱، ۱۳۰).

گواهی های مستند حمدا... مستوفی قزوینی در نزهت القلوب نیز دلیلی بر خونریزی و سفاکی مغولان می باشد(مستوفی، ۱۳۶۶، ۴۷، ۱۱۳، ۱۳۸، ۱۵۹ و ...).

مؤلف حبیب السیر نیز در مورد هرات می نویسد: تولی خان فرزند چنگیز پس از اینکه قضات و علما و اشراف به صلح مایل گشتند ... به مردم به جان امان داد... ولی در هرات امان داده شده بازهم دوازده هزار نفر از مردم به جرم همراهی با سلطان جلال الدین کشته می شوند (خواندمیر، ۱۳۸۰، ۴۲).

سیاست های دینی مغولان در ایران

کشور ایران به عنوان یکی از قدیمی ترین قدرت های جهان که از سابقه فرهنگی و تمدنی درخشانی برخوردار بوده، مهد پیدایش یک دین و نیز مکانی برای بروز و نمود ادیان و مذاهب گوناگون است که زرتشتیان و ادیانی چون یهودیان، مسیحیان و مسلمانان عمده ترین آن به شمار می روند. آن گونه که از تاریخ بر می آید این ادیان در دوره های مختلف و با شدت و ضعف با آزادی عمل و نوعی آرامش خیال به زندگی خود ادامه داده و به اثر بخشی پرداخته اند.



به عنوان مثال "افسانه استرو مردخای" نمونه‌ی بی‌اثر بخشی ادیان موجود در ایران بر سرنوشت این سرزمین است.

اما این روند پس از ورود اسلام به ایران نمود بیشتری یافته و تأثیر پذیری سیاست‌ها از مذهب در این دوره با شدت بیشتری مورد توجه قرار گرفته است.

با روی کار آمدن اسلام در ایران و تسلط نگرشی خاص از اسلام بر این سرزمین، حوادث فراوانی بر تاریخ این مملکت گذر نموده و ادیان و مذاهب موجود در آن، بسته به قدرت و ضعف خلفای اسلامی با محدودیت‌ها و یا آزادی‌هایی در عمل و رفتار خود مواجه بوده‌اند.

آنچه مسلم است این است که در این دوران طولانی، مذهب تسنن با محدود کردن سایر ادیان و مذاهب به عنوان مذهب قالب بر سرنوشت ایران حاکم بود. که این موضوع تا زمان تسلط مغولان نیز بر ایران ادامه یافته.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد جهان اسلام شاهد کشمکش دو جریان اصلی تسنن و تشیع در ابعاد مختلف و با فراز و فرودهای متفاوتی بوده است. این دو جریان اصلی اسلام در دوره بنی‌امیه به صورتی و در دوره بنی‌عباس به صورتی دیگر با هم درگیر و در هر دوره از وضعیتی خاص برخوردار بوده‌اند. لیکن در دوره بنی‌عباس مبارزه و جدال اهل تسنن و تشیع با توجه به شعارها و انتخاب‌های عباسیان و توجه ویژه‌ی آنها به عنصر ایرانی ضد عرب و اقتدار خاندان‌های ایرانی شیعه از شرایط ویژه‌ی

برخوردار است . در این دوره با توجه به روی کار آمدن حکومت هایی چون آل بویه و تشکیل حکومت های شیعی در شمال ایران توسط علویان ، ظهور عالمان برجسته شیعه پس از آغاز غیبت کبری - ۳۲۹ هجری - (طباطبایی ، ۱۳۸۵ ، ۳۲۰) و نیز قدرت یافتن وزرایی با اعتقادات شیعی و یا متمایل به آن، جریان های شیعه در درون اقتدار و حکومت سنیان قدرت گرفته بود (ابن طقطقی ، ۱۳۶۷ ، ۴۳۲ تا ۴۵۱) .

در این زمان حمله مغول در اوایل قرن هفتم هجری (۶۱۴ هـ) مردم ایران اعم از شیعیان و سنی ها را هدف قرار داد.

چنگیز خان رهبر ویرانگر مغول تابع هیچ دین و آئینی نبود (میرخواند ، ۱۳۸۰ ، ۳۸۱۳) و می توان گفت به نوعی با سایر ادیان کنار می آمد. هرچند وی براساس آیین شمنی می بایست به قدرتی قاهر و جاویدان که فرمانروائی روی زمین را به او اعطا کرده است، اعتقاد داشته باشد (اشپولر ، ۱۳۶۸ ، ۱۷۴).

این نگاه خاص و تک ساحتی به قدرت الهی ، به نوعی تسامح در مقابل ادیان منجر گردید. به نحوی که چنگیز در بخارا از صدر جهان خواست : شخص مطلع از یوسون و یاسای شما را به نزد من بفرستید. و چون قاضی اشرف به حضور او می رسد از او می پرسد، که عقیده و راه و رسم مسلمانی چیست؟ قاضی می گوید: آفریدگار را یگانه و بی مثل و مانند می دانند. و چنگیز خان گفت که مرا در این اعتقاد اعتراضی نیست (خواندمیر ، ۱۳۸۰ ، ۳۸۸۷ - ۳۸۸۸).



تسامح مغولان دلایل دیگری چون باور بی شائبه و بی پیرایه به اراده و قدرت مطلق، عدم نیاز به بهره برداری از سایر امکانات سیاسی برای نفوذ و ایجاد محبوبیت و قدرت، عدم فهم و درک ذهن ساده صحرائشینیان مغول از مباحث پیچیده کلامی و دینی و گریز از در غلتیدن در این موضوعات را نیز شامل می‌گردد. بهرحال خان‌های مغول تا مدت‌های مدیدی نسبت به مسائل مذهبی بی‌اعتنا بودند و دلایلی وجود دارد که جاهلانه بعضی از عقاید مذهبی مسلمانان، مسیحیان و کلیمیان را مورد استهزا قرار می‌دادند (میشل مزای، ۱۳۸۸، ۷۵). یعنی نه دخالت می‌کردند و نه اصلاح آن‌ها را خواستار بودند.

تسامح دینی مغولان تا دوره دوم فرمانروایی آنان یعنی دوران هلاکوئیان همچنان پابرجا ماند ولی به تدریج این تسامح به جانبداری‌های کم‌رنگ از اسلام در مقابل سایر ادیان مانند جانبداری اوکتای قآن از اسلام در مقابل سایر ادیان گرایش یافت (میرخواند، ۱۳۸۰، ۳۹۱۴). البته مواردی نیز مانند علاقه و آزادی عیسویان در دوره گیوک خان (همان، ۳۹۴۶) و یا آراستن و ساختن بت‌خانه‌هایی به سیاق قدیم (همان، ۴۰۶۶) به عنوان نشانه‌هایی از چرخش سیاسی - مذهبی مغولان و سهل‌گیری آن‌ها در مذهب وجود دارد. همه اینها نشان از وجود تسامحی دینی نزد مغولان حکایت دارد.

البته باید توجه نمود که :



الف) تسامح مغولی در موضوع دین و مذهب خود بخود باعث گسترش گروههای مختلف اهل تصوف اعم از گرایشات سنی و شیعی گردید. که بدلیل انفجار یأس و ناامیدی و ترویج کشف و کرامت از سوی مشایخ متصوفه مورد اقبال مردم نیز بود (الشیبی، ۱۳۸۷، ۱۴۴ - ۱۴۵).

ب) مقاومت سرداران مغول درمقابل اعلام دین اسلام به عنوان دین رسمی از سوی غازان خان نشان مخالفت مغولان با گذر از مسیر تسامح می باشد. خواندمیر می نویسد: فنجقال و ایلدر و طغاجار و بعضی دیگر از امرا نیا بق شیوه غدار بیاساء ایلخانی اختصاص یافتند و جمعی دیگر که زنده ماندند سالک طریق مکر و تزویر گشتند. (خواندمیر، ۱۳۳۳، ۱۴۶).

ج) تسامح و خوی و خصلت مغولی بعنوان فرمانروایان صحراگرد، تا جایی است که ارغون مردی یهودی به نام سعدالدوله را بر مسلمانان حاکم می گرداند (میرخواند، ۱۳۸۰، ۳۹۶۵).

د) ظهور عالمان دینی و بزرگ شیعه در دوره تسامح مغولی پیروزی های بزرگی را برای آنها فراهم آورده و آینده را نیز تحت تأثیر قرار داده است. قانون چنگیز به مسلمانان نیز، هم چون پیروان ادیان دیگر آزادی می داد (اشپولر، ۱۳۶۸، ۲۳۸). مدارای دینی مغولان ... به شیعیان نیز اطمینان ادامه تبلیغات و وارد شدن در عرصه های مختلف اجتماعی را می داد و دیگر از سخت کشی، تعقیب و مجازات شیعیان به دست عالمان و حاکمان سنی بدلیل از بین رفتن برتری بدون معارض آنها خبری نبود (ترکمنی آذر، ۱۳۸۴، ۳۸).



آهنچی و عبادی می نویسند: در دوره حکمرانی ایلخانان غیرمسلمان (۶۵۶ - ۶۹۳ ق) پس از مرگ هر ایلخان ... صاحبان ملل و ادیان تلاش می کردند با متمایل کردن ایلخان جدید به آیین خود زمینه برتری آیین شان را فراهم کنند (آهنچی - عبادی ، ۷۳).

پس از هلاکو قدرت به آباقا انتقال می یابد . (۶۹۳ - ۶۸۰) و او که دومین شخصیت مهم ایلخانان است دایره قدرت صحرانشینان مغول را گسترش داده و زمینه های حمله به سوریه را فراهم می سازد.

آباقا به خواست همسر مسیحی اش به آیین مسیح گرویده بود. ولی با این وجود در دربار او شیعیانی نیز از جمله سید جمال الدین کاشی و سید فخرالدین حسن فعالیت داشتند (میرخواند ، ۱۳۸۰ ، ۳۵۵). تأکید بر این نکته ضروری است که آباقا پس از هلاکو قدرتمند ترین فرمانروای ایلخانی ایرانی است . (آبویل، ۱۳۸۷، ۳۴۲).

پس از آباقا قدرت به تکودار واگذار می شود (۶۸۱ ق ششم مه ۱۲۸۳ م) و چون تکودار به آیین اسلام درآمده بود نام احمد و لقب سلطان بر خود نهاد (همان ، ۳۴۲).

همان گونه که نویسندگان تاریخ کمبریج ذکر کرده اند روشن نیست که احمد چگونه و به چه وسیله اسلام اختیار کرد ولی روشن است که سیاست صبر و تلاش تمدن ساز ایرانیان کم کم اثرات خویش را ظاهر ساخت و این طایفه خونریز ، در متن تمدن اسلامی و ایرانی مستحیل گردید (اشپولر، ۱۳۶۸، ۸۲).



ارغون (۶۸۳ - ۶۹ هـ) گر چه یک بودایی متعصب بود اما توان تغییر فرامین اسلاف خویش را نداشته و به رویه هلاکو با تغییراتی اندک ادامه داد. وی به مسلمانان اجازه داد در ماه رمضان چهار منبر در تبریز برپا کنند و قاضیان و دانشمندان مسلمان و گروههای مذهبی دیگر را از پرداخت مالیات معاف کرد. (همان، ۲۴۳).

در دوران او دو انتخاب جامعه مسلمانان را به چالش کشانید. موضوع اول انتخاب سعد الدوله وزیر یهودی بود که پیش از این نام او آورده شد و موضوع دوم انتخاب سید عماد الدین علوی و شیعه به حکومت شیراز بود، البته در دوران ارغون امیر الحاج نیز از میان شیعیان انتخاب شد.

ادامه پیروزی مسلمانان و به ویژه شیعیان در زمان حکومت گیخاتو (۶۹۰ - ۶۹۴) با وزارت صدرالدین احمد خالدي به وقوع پیوست. چرا که این دوره فضای ارزشمندی را برای مسلمانان و شیعیان فراهم ساخت.

همانطور که پیش از این نیز اشاره شد، غازان خان مغول برای رویارویی با مشکلات و هماهنگی با شرایط روز و پاسخ گویی به دغدغه های جامعه اسلامی، دین اسلام را پذیرا شد و با پذیرش اسلام در اولین روز تاجگذاری به نوعی جامعه اسلامی را مورد محبت و مدیون خویش ساخت و... ۶۹۴ هـ ق (میرخواند، ۱۳۸۰، ۴۱۳۱۲) منادی فرمود: تا تمامت مغول و ایغور کاین آمن کان که از متابعت شریعت غداً خود را مستغنی می دانستند و محرمات را که پیش از آن به موجب نص اجتناب



ثابت شده محال می شمردند به وحدت پروردگار عالمیان و نبوت رسول
آخرالزمان صل اله علیه وآله اقرار آوردند (همان، ۱۳۱۲، ۴).

تشریف غازان به دین اسلام مبین حرکت تکاملی بود که می بایست صورت می
گرفت. غازان در مبارزه با بایدو بودایی، قدرت و نفوذ مسلمانی خویش را
آزموده بود (همان، ۱۳۱۲، ۴). انتخاب غازان برای دیگر شاهزادگان مغول
بعنوان سرمشق، بی تأثیر نبود (اشپولر، ۱۳۳۸، ۱۹۲).

گروههای شیعی بهر مند از سیاست مذهبی مغولان

همان گونه که پیش از این نیز گفته شد، همه ادیان موجود در ایران
اسلامی از تسامح دینی مغولان بهره مند شدند که گروه های شیعی یا
نزدیک به آن نیز از آن جمله اند.

تصوف

گروهها و جمعیت‌های مختلف صوفیان در دوره ایلخانان بر اثر تسامح حاکمان
مغول، فعالیت های گسترده یی را سازمان داده و حلقه های مختلف تصوف
و خانقاه های پر رونق و آباد همراه با مستمری و موقوفات فراوان را بوجود
آوردند. عباس اقبال آشتیانی با اشاره به ازدیاد صوفیان، اهل فتوت و اهل
اخوت در دوران ابوسعید علی بن ابی طالب (ع) را فتی و مولای گروههای
متصوف و اخی ما می داند (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۶، ۴۶۶ - مزاولی، ۱۳۸۸،
۱۳۲).

همان گونه که پیش از این بیان شد ابراز علاقه به امور غریبه و کارهای خارق العاده درویشان و توجه ویژه مردم عادی به اسلام توده یی در خانقاه ها و وجود تسامح دینی و مغول ، این دوران را به عصر طلائی تصوف در تاریخ ایران تبدیل نمود.

باید اذعان نمود که مغولان ، بعضی امور مورد علاقه خود را در نزد صوفیان یافتند و گسترش تصوف در این دوران حاصل همین توجه آنان می باشد .

ذکر این نکته ضروری است که تصوف در دوره اموی و عباسی پیوسته در معرض فشار دین داران مسلط و دستگاههای سیاسی بود ، لیکن ، در زمان مغولان با توجه به تسامح دینی آنها صوفیان و اصحاب خانقاهها و زاویه ها نیز توسعه یافتند.

در تاریخ جهان آرا آمده است : یکی از مقربان امیر چوپان سلدوز در حین شکار از پرتگاهی با اسب سقوط می نماید و چون همراهانش به پایین دره می رسند اسب را پاره پاره و سوار را سالم می یابند از او علت را می پرسند: در حالتی ... که قطع امید از خود کرده حضرت شیخ (شیخ صفی الدین اردبیلی) را دیدم که در هوا گریبان مرا گرفت آهسته بر زمین نهاد لاجرم جمهور ترکان بواسطه آن و دیگر امور غریبه حلقه آن مهر سپهر سیادت را در گوش کشیده آوازه ولایت ایشان شرق و غرب رسیده فوج فوج از ترک و تاجیک بدرگاه خلایق پناهش شتافته و دست انابت و استغفار در ذیل آن عالی مقدار می



زدند (غفاری قزوینی ، ۱۳۴۳ ، ۲۵۹ - ۲۶۰) در همین کتاب و در گفتگویی میان شیخ با امیر چوپان از تعداد ارادتمندان شیخ سؤال می شود که آمده است : در برابر هریک از اصحاب جلادت صد نفر ارباب ارادت هستند (همان ص ۲۶۰ - ۲۵۹) .

اسناد دوره مغول نشان دهنده اهمیت تصوف در این دوره است. ابن بطوطه ذکر می کند ؛ اتابک احمد والی لرستان مالیاتی را که می گرفت به سه قسمت تقسیم می کرد. یک سوم را به مصرف مخارج زوایا و مدارس می رساند و یک سوم مخارج قشون می کرد و یک سوم باقی صرف مخارج شخصی او و حرم سلطنتی و خدام و غلامان می شد. (ابن بطوطه ، ۱۳۵۹ ، ۲۰۵).

در جای دیگر ابن بطوطه از ملاقات فرستاده سلطان ابوسعید با شیخ صدرالدین در شیراز تصویر جالبی ارائه می دهد و می گوید: فرستاده سلطان چون بمحضر شیخ رسید دستارچه خویش که کلاه می نامند از سر برگرفت و پای او را بوسه داد. و در حالیکه گوش خود را بدست گرفته بود در برابر شیخ نشست. امرای تاتار در پیش سلطان همین مراسم را معمول می دارند (همان ص ۲۱۸). این موارد نشان دهنده افزایش قدرت و تعداد خانقاه ها می باشد این قدرت تا به آنجا پیش می رود که غازان موقوفه یی مفصل برای خانقاه بغداد تعیین می کند و رشید الدین فضل اله را مقسم عواید آن تعیین می سازد. (پطروشفسکی ، ۱۳۵۷ ، ۴۶۷ - ۴۶۶) .



گسترش قدرت و نفوذ صوفیان البته در متن توسعه دیگر مذاهب و اندیشه های دینی به گسترش ادبیات و توسعه معانی و اندیشه های کلامی متصوفه و همچنین ذکر سلسله مشایخ و آثار و اخبار آنان انجامید. ابن بطوطه در اصفهان پس از ذکر چگونگی دریافت خرقة از شیخ قطب الدین اصفهانی و اعلام ارادت نسبت به این شیخ به ذکر سلسله شیوخ او می پردازد و ۱۲ شیخ بلند آوازه را در این سلسله ذکر می کند (ابن بطوطه ، ۱۳۵۹ ، ۲۱۳).

کار بزرگ صوفیان در این دوره توسعه ادبیات و اندیشه کلامی براساس دعوت عمومی شیعه است. شیخ جنید بغدادی در رساله یی موسوم به "مفتاح" می گوید که هزار طبق کاغذ در راه و رسم تصوف سیاه کردم و صد هزار دینار از ملک پدری را از میراث صرف صوفیان و وقف ایشان کردم (سمرقندی، ۱۳۸۵ ، ص ۴۳۹). ابداع اصطلاحات جدید، استخدام موضوعات و استعارات و مضامین و بهره گیری از اشارات و تمثیلات به آنان اجازه می داد ... در پیشبرد افکار و عقاید خویش بکوشند، (پطروشفسکی، ۱۳۴۱، ۱۸).

ادبیات صوفیانه در این دوره با بهره مندی از این ویژگی که نه اشتغالات سنیان را داشت و نه از محذورات شیعیان رنج می برد، توانست دامنه اندیشه های دینی، اسلامی و خداشناسی را گسترش داده و به استخدام دینداران سنی و شیعه در آورد تا آنان نیز افکار و عقاید خود را در شکل نو بیان کنند. متقاعد کننده ترین



نقطه حرکت برای چنین برداشتی، زندگی و آثار مولانا جلال الدین محمد بلخی است (۶۰۴ هـ - ۱۲۰۷ م) که به راستی بررسی اسلام اصیل و تصوف بدون بررسی دقیق آثار مولوی و دوران حیات او ناقص خواهد بود (مزاوی، ۱۳۸۸، ۱۴۵-۱۴۶).

توجه و اعتقاد همه فرق شیعه بر برتری علی (ع) و وجود معنویت خاص در امامان و نیز اعتقاد به مهدویت و آمدن نجات بخش عالم کامل (الشیبی، ۱۳۸۷، ۵۴) در کنار ترویج زهد و بی‌علاقگی به دنیا و بعلاوه ادبیات مردم گرایانه و ظلم ستیز و موضوعات دیگری مانند عبادت، ذکر، خلوص و ایثار، جریان صوفیه را در بیشتر مواضع اجتماعی این دوره در کنار شیعیان قرار داد و مؤلفان کتب صوفیه به نام شیعیان علوی اشاره دارند که در زمره صوفیان محسوب و یا در زمره اولیاء الهی و نام آوران عرفان ذکر شده اند (همان، ۶۵). مانند امام جعفر صادق (ع) (عطار نیشابوری، ۱۳۳۲، ۱۱) و اوایل قرنی که در زمره یاران و شهدای در رکاب امیرالمؤمنین علی (ع) محسوب می‌شود (همان، ۱۰).

باید گفت صوفیه در روند حرکتی خود از اهل سنت جدا شده و در زمره معتقدین به مذهب تشیع قرار گرفت.

یکی از این طرائق که به خوبی نزدیکی و گذر تدریجی از تسنن به تشیع را نشان می‌دهد طریقه کبرویه است.

شیخ نجم الدین کبروی به عنوان یک سنی در بعضی از موضوعات مثل نص علی (ع) بر سایر صحابه و خلفا به شیعه نزدیک است. اولین نسل از



میردان وی سعد الدین حمویه می باشد که در آموزشهای خویش به میردان می آموخت که اولیای امت اسلامی ۱۲ تن اند و دوازدهمین آن صاحب الزمان (ع) است که برای گسترش عدل و داد به سراسر جهان خواهد آمد (باسانی، ۱۳۶۶، ۴۷).

علاءالدوله سمنانی (مرگ ۷۵۶ هـ / ۱۳۵۵ م) از همین طریقت ضمن جانبداری از اهل سنت از همه مشاجره های کلامی بیزاری می جوید و در عین حال معتقد است که علی (ع) از میان چهار خلیفه راشدین در موضوع امامت، خلافت و ولایت به کمال رسیده است. در نوشته های علی همدانی (۷۸۶ هـ / ۱۳۸۴ م) و محمد نوریخس (۸۶۹ هـ - ۱۴۶۴ م) از همین طریقت بهره جستن از اندیشه های شیعه غالی یا بقول بطروشفسکی اسلام مردمی و گذر تدریجی و غیر محسوس به تشیع را در طریقه کبرویه می توان پی گرفت (فراهانی منفرد، ۱۳۸۸، ۳۳ - ۳۴).

سرنوشت طریقه شیخیه جودیه خراسان و نهضت سربداران و ایضاً جریان طریقه شیخ صفی الدین اردبیلی نیز این گونه بوده است.

سربداران

یکی دیگر از گروه های بهره مند از سیاست های مذهبی مغولان که به رشد تشیع در ایران نیز کمک فراوانی نمود، جماعت سربداران بودند که با انقلابات و حرکت های رهایی بخش بامفهوم واقعی دینی و براساس اندیشه های شیعه امامیه بر مغولان شوریده و به نوعی در پایان دادن به حکومت های اشغالگر موفق عمل نموده. این قیام نخستین حرکت سیاسی



و نظامی براساس اندیشه های شیعه اثنی عشری و نیز تلاقی طریقت شیخیه و شیعه امامیه علیه ظلم سازمان رفته به شمار می رود.

قیام سربداران در پی تلاش و مجاهدت گروهی از شیوخ شیعه و تبلیغات وسیع این مبلغان، مانند شیخ خلیفه و سپس شیخ حسن جوری آغاز گردید و به سرعت تمام خراسان و حتی قسمتهای جنوب شرقی ایران را درنوردید. توجه به دو عنصر مهم رهبران مذهبی و رهبران سیاسی از مهم ترین شاخصه های اصلی قیام سربداران می باشد. (مزاوی، ۱۳۸۸، ۸۸).

در گروه رهبران مذهبی نام هایی مانند شیخ خلیفه، شیخ حسن جوری، درویش هندوی مشهدی، سید عزالدین سوغندی، درویش عزیز مجدی و درویش رکن الدین دیده می شود.

پهلوان عبدالرزاق، وجیه الدین مسعود، آتیمور، کلو اسفندیار، شمس الدین علی، یحیی کراوی، حیدرقصاب، پهلوان حسن دامغانی و خواجه علی مؤید نیز اسامی رهبران سیاسی نهضت سربداران به شمار می روند. دولتشاه سمرقندی، سربداران را فرقه یی شجاع، مردانه و محتشم دانسته است (سمرقندی، ۱۳۸۵، ۴۸۵).

ذکر این نکته ضروری است که آغاز کنندگان قیام از مریدان شیخ خلیفه و شاگرد وی شیخ حسن جوری بودند که به نوعی می توان گفت در اثر سیاست های دینی مغولان از دل مکتب صوفیه و بهره گیری از تعالیم شیعه رشد یافته و رهبری مذهبی جماعتی را عهده دار شده بودند.

طرح این نکته ضروری است که شیخ حسن جویری شاگرد شیخ خلیفه بود که او نیز خود ، مرید بالو زاهد و او مرید شیخ شمس الدین محمد مجرد و او مرید شیخ فضل الله و او مرید شیخ تاج الدین علی بود (مرعشی ، ۱۳۶۱ ، ۱۷۲ - ۱۷۱). سلسله شیوخ شیخ خلیفه به بایزید بسطامی می رسد که به قول مرعشی : دریای معرفتش شبنمی از قلزم زخار حضرت امام جعفر صادق (ع) بود (همان ، ۱۷۲-۱۷۱).

حسن جویری شاگرد شیخ خلیفه پس از مرگ غم انگیز استاد به نیشابور رفته و به تبلیغ عقاید شیخ خلیفه سرگرم شد... قیام گران اندک قریه باشتین، عبدالرزاق باشتینی را برای فرماندهی گزیدند و او نیز فوجی از متهوران را گرد آورده و در اولین اقدام نظامی علاءالدین فرمدی را شکست داده و منهزم ساخت (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳، ۲۱۹).

با کشته شدن عبدالرزاق توسط برادرش وجیه الدین مسعود (مرعشی ، ۱۳۶۱ ، ۴۱) ، رهبری قیام به دست مسعود افتاد و نیشابور و جام توسط وی تسخیر گردید (سمرقندی ، ۱۳۸۵ ، ۴۹۱). وی در ادامه موفق گردید ارغون را نیز شکست دهد کاری که بقول دولتشاه از عهد آدم تا زمان او این کار نشد (همان ، ۴۹۱). وجیه الدین مسعود در ادامه از شیخ حسن جویری درخواست نمود که بصورت مستقیم در کار نهضت مداخله نماید (همان ، ۴۹۱).

با تسخیر نیشابور که اکثر اهالی آن سنی مذهب بودند . (حافظ ابرو، ۱۳۷۲ ، ۵۲)، نیاز مسعود به کمک شیعیان سبزوار و علاقمند به حسن جویری



فزون تر شد. البته مسعود در پی آن بود تا با ایجاد رقابت بین عناصر شیعه و سنی تعادلی را در حکومت بوجود بیاورد. ولی سوء ظن مردم نیشابور به حسن جوری و یارانش و نیز فشار حسن جوری برای اعلام حکومت شیعه در مناطق تازه فتح شده (اسمیت، ۱۳۶۱، ۱۳۷، ۱۳۸ - ۱۳۸) نهضت را به سردرگمی بین دو انتخاب مهم یعنی ورود به یک نهضت سیاسی ضد اشغالگری بی هویت، یا یک جریان مذهبی و ملی بر ضد همه عوامل و ابعاد اشغالگری دچار نمود.

می توان گفت نهضت سربداران با بهره مندی از رهبران مذهبی چون شیخ خلیفه، حسن جوری و اخلاف آنها که در دل حکومت مغولان به بعد و عظمت معنوی رسیده بودند توانستند با استفاده از موقعیت پیش آمده در جهت اعتلای مذهب شیعه در ایران گام مهمی بردارند.

آنچه در باب نهضت سربداران باید مورد توجه قرار گیرد این است که این نهضت از ویژگی هایی برخوردار بوده که شاید اکثر قیام های شیعی پیش از آن از همگی آنها برخوردار نبوده و قیام های پس از سربداران نیز تحت تأثیر آن بوده اند. ویژگی هایی نظیر: شیعی بودن قیام، اعتقاد به ظهور امام مهدی (عج)، جدایی ناپذیر بودن دین و دولت و حکومت و دیانت، مبارزه با ظلم، بی عدالتی، فساد و اشرافی گری را (اسمیت، ۱۳۶۱، ۵۹)، مردمی و مذهبی بودن، انتخاب رهبران از راه مشورت و تشکیل نوعی مجلس مشورتی به جای انتخاب وراثتی، تازگی داشتن قیام، انتخاب می شدند، تولید گفتمان حکومتی جدید فاقد القاب اشرافی

(پطروشفسکی ، ۱۳۴۱ ، ۸۹) ، پاکی ، صداقت و برخورداری از صلاحیت های اجتماعی و اقتصادی که به صورت ویژه در این قیام مشاهده می گردد(سمرقندی ، ۱۳۸۵ ، ۱۴۶) .

اثر بلندمدت قیام سربداران را باید رشد و توسعه علایق تشیع در ایران و بوجود آمدن زمینه های ارتباط با علمای اصیل شیعه امامیه و دعوت از آنان برای حضور مؤثر در پایگاههای شیعی در ایران دانست .

شیعه در عصر مغول و ایلخانان

شیعیان در تمام دوره ها از روند رو به رشدی برخوردار بوده و در هیچ دوره یی از ترقی و تعالی باز نمانده اند. این مهم به ویژه با توجه به سیاست های تسامح مذهبی مغولان در زمان ایلخانان بسیار چشم گیر بوده و از اهمیت فراوانی برخوردار است . چرا که در این دوران شرایطی فراهم آمده تا بحث های کلامی در بین مذاهب مختلف رواج یابد .

باید گفت در کنار تسامح مغولان و در زیر سایه امنیت مذهبی به وجود آمده در این دوران به دلیل عدم تأکید بر یک دین خاص از سوی مغولان ، جدلیات کلامی مذاهب مختلف اسلامی با قدرت در درون جامعه پیگیری می شد . این مبارزه کلامی همراه با همزیستی مسالمت آمیز پیروان عقاید و نظریات مذهبی در کنار هم نوعی آزادی و تسامح را در درون جامعه ایجاد کرده بود. آزادی و تسامحی که متأسفانه صاحبان بعضی از اندیشه ها در اوج قتل و غارت مغول آنرا کنار نهاده و دشمن وحشی را به کشتار هم کیشان خویش بدلیل اختلافات مذهبی تحریک می نمودند. میرخواند دو



نمونه از این جنایات را در ری در تحریک مغولان به کشتار حنفی مذهبان به اغوای شافعی مذهبان و در قم به اغوای سنی مذهبان و برعلیه شیعیان ذکر می کند (میرخواند، ۱۳۸۰، ۳۳-۳۲)

همانگونه که گفته شد، کشمکش شیعیان و سنی مذهبان در زیر پوست تسامح مغولان با قدرت ادامه داشت. هرچند برخی این کشمکش را به مبارزه میان نیروهای مسلط شهرنشین، فئودالهای محلی و بازرگانان اعم از حنفی و شافعی با روستائیان شیعی ساکن در پیرامون شهرها و طبقات پائین شهرنشین مربوط می دانستند (پطروشفسکی، ۱۳۵۷، ۲۶۵). اما این جدل میان دو قرائت از دین که یکی از آنها مسلط و دیگری در حال اعتراض بودند صورت می گرفت.

البته این جدال از مسایل مختلفی تأثیر می پذیرفت. به عنوان مثال فرقه اسماعیلیه در زمان جلال الدین حسن نو مسلمان، نواده حسن صباح با تغییر در مشی و اصول خود به خلیفه عباسی نزدیک شد و خلیفه نیز او را در مقابل قدرت سلطان محمد به بازی گرفت (همدانی، ۱۳۷۳، ۴۷۰). هر چند که حمله مغول به ایران دگرگونی های عمیقی در رفتارهای اجتماعی ایرانیان ایجاد نمود و شرایط را به سمتی برد که دانیان شیعه از آن به نفع خود بهره بردند.

اما افرادی چون حسن نو مسلمان با قبول ایلی مغولان عاملی برای حفظ قلاع و مراکز علمی و پایگاههای خویش بدست آوردند و مدتی به زندگی سیاسی و مذهبی خود ادامه دادند (جوینی، ۱۳۵۵، ۲۴۷). لیکن با شروع

تهاجم هولاکوخان دیگر پناهی برای اسماعیلیان وجود نداشت. آنچه منگوقاآن را در فرستادن هلاکو به ایران مصمم ساخت. موضوع خلافت عباسی و تسلط این خلافت بر مسلمانان بود (ترکمنی آذر، ۱۳۸۴، ۱۳۰). هلاکو به سال ۶۵۳ هـ به ایران یورش آورد و بنابه توصیه خواجه نصیرالدین طوسی، رکن الدین حور شاه تسلیم و قلاع اسماعیلیه یک به یک به تصرف مغولان در آمدند (همدانی، ۱۳۷۳، ۹۸۵). با تسلیم رکن الدین به دربار منگو قاآن و کشته شدن او و همه خانواده اش (همان، ۹۹۱) اسماعیلیان باقی مانده از این هجوم، جز بعضی ترورها و مبارزاتی پراکنده کاری از پیش نبردند. لیکن ستاره اقبال شیعیان اثنی عشری معتدل و اندیشه ورز از محل سقوط اسماعیلیان تندرو و خنجرکش اوج گرفت.

شیعیان اثنی عشری از دوره ناصرالدین الله که لطفی به دوستداران اهل بیت داشت و منصب وزارت را در چند نوبت به افراد نزدیک به شیعیان سپرد (طباطبا، ۱۳۶۷، ۴۳۲ و ۴۴۰)، آموخته بودند که چگونه با حکام درآمیخته و از سیادت خویش نگاهداری کنند. نقش ابن علقمی در حوادث شیعه (الاسفزاری، ۱۹۶۱، ۲۲۱) دوران مستعصم (۶۴ - ۶۵۶ هـ) که خود نیز در به قدرت رسیدنش مؤثر بود، در حوادث آینده مؤید همین روش تأثیرگذار است. زیرکی و فتانت ابن علقمی... باعث شد که بغداد پس از سقوط هلاکوخان به ابن علقمی سپرده شود (طباطبا، ۱۳۶۷، ۴۵۳).



نقش خواجه نصیرالدین طوسی که پس از فتح قلاع اسماعیلیه در کنار هلاکو و بعنوان مشاور قرار گرفته بود نیز در همین رابطه ارزیابی می گردد. همدانی می نویسد: که خواجه نصیرالدین در حمله به بغداد و کشتن خلیفه مؤثر بوده است و هلاکو را مطمئن می سازد که کشتن خلیفه منجر به نزول عذاب نخواهد شد (همدانی، ۱۳۷۳، ۱۰۰۷). حضور خواجه نصیرالدین در کنار هلاکو و ارتباط ابن علقمی باعث شد که شیعیان و تا حدود زیادی بغدادیان از گزند لشکر خونریز مغول در امان بمانند و کتابخانه ها و مراکز علمی آسیب نبینند.

صاحب النقض در ارتباط با شیعیان دوران مغول و عصر ایلخانی می گوید: "در هیچ روزگاری این قوت نداشتند که اکنون، چه دلیر شده اند! و به همه دهان سخن می گویند. هیچ سرایی از ترکان، که در او ده پانزده رافضی نباشد و در دیوانها هم دبیران ایشان اند" (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ۴۲)

خواجه نصیر گام های مهمی در جهت قدرت گرفتن شیعیان انجام داد که نجات شهر شیعه نشین حله از غارت، مصون ماندن عتبات عالیات از هر صدمه، فراهم آمدن شرایط مناسب برای دانشمندان شیعه و باز پس گیری اوقاف شیعیان که سنی مذهببان قبلاً آن را ضبط کرده بودند از این دست به حساب می آیند (اشپولر، ۱۳۶۸، ۲۴۵). پس از مرگ خواجه نصیرالدین شیعیان به سکوت فرو رفته و از فضای امن تسامح مغولی سود جستند.

پطروشفسکی اصرار دارد که در تمام این دوران کیش مردم عادی و روستائیان، مذهب تشیع بوده و علیرغم همه این ایذاءها و مخالفت ها توسعه یافته است (پطروشفسکی ، ۱۳۴۱ ، ۹).

همانگونه که پیش از این اشاره شد ، غازان خان با ادامه سیاست تسامح دینی موجب شد شیعه قدرتی غیر قابل انکار پیدا نماید. وی می دانست که اختلاف مکاتب اهل سنت چندان آزار دهنده نبوده و اختلاف عمیق تر بین اهل تسنن و شیعیان است . غازان برای مقابله با این مشکل تلاش کرد تا حسن نیت خویش را به شیعیان که به لحاظ سازماندهی در وضعیت مناسبی بودند نیز اثبات نماید. لذا به زیارت مراقد ائمه اطهار رفت و دستور داد سکه هایی با عبارات مذهبی شیعیان زده شود . (همان ، ص ۱۹۴).

غازان خان مغول با بکارگیری سیاست تسامح دینی با همه ادیان بخصوص شیعه که قدرتی غیر قابل انکار یافته بود به مدارا رفتار می نمود.

خواندمیر نقل می کند: که غازان خان بعد از تحلی به حلیه اسلام و ایمان ، دو نوبت حضرت رسالت صلی اله علیه و اله و سلم را در عالم رؤیا مشاهده نمود و در دو کرت امیرالمؤمنین علی و سبطین علیهم السلام در خدمت آن حضرت بودند ... لاجرم محبت اهل بیت پیغمبر آخر الزمان در ضمیر منیر غازانی جایگیر شده نقبا و سادات را تعظیم و احترام تمام می نمود ... (خواندمیر ، ۱۳۳۳ ، ۱۵۹).

بعضی از متون که شیعه و یا علاقمند به آل علی (ع) هستند از نقش بعضی از علمای شیعه در اسلام آوردن غازان حکایت دارند. به گفته مؤلف روضات



الجنان: سید جلال الدین مهدی که نقیب تبریز و از سادات حسنی بود در اسلام آوردن غازان مؤثر بود (کربلائی تبریزی، ۱۳۴۸، ۱۵۶) صدرالدین حموی نیز که بیشتر اوقات ملازم غازان بود و «دقایق و حقایق اسلام» را به غازان می نمود از شاگردان خواجه نصیرالدین و داماد شمس الدین جوینی است. او به خاندان علی (ع) علاقمند بود. (ترکمنی آذر، ۱۳۸۴، ۱۳۵). بعضی از متون پا را فراتر نهاده و غازان را شیعه معرفی کرده اند مؤلف تاریخ اولجایتو می گوید: غازان مذهب شیعه بر همه اختیار کرد (کاشانی، ۱۳۴۸، ص ۹۹).

بهر روی همچنان که گفته شد غازان در مقابل اهل تسنن که خود در جبهه آنان قرار می گرفت جانب شیعه را رها نکرد. خواجه رشید الدین می نویسد که: غازان دوبار پیامبر اسلام و حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را در خواب دید و ... حب و دوستی خاندان پیامبر (ص) در قلبش پایدار گردیده (همدانی، ۱۳۷۳، ۱۳۵۹). موضوعات دیگری نیز در تشدید، توسعه و تعمق اعلام ارادت غازان به شعائر اسلامی و شیعی مؤثر بوده است. مانند قتل امیر نوروز که یکی از قدرتمندترین سرداران مغول مسلمان بود و در اسلام آوردن غازان و قدرت یافتن او بسیار مؤثر عمل کرده بود. میخواند می نویسد: چون نهال اقبال امیر نوروز از تندباد حادثات خزان و بی عنایتی پژمرده گشت. پادشاه جهان در تعظیم شعار شرع مطهر و تنظیم امور ملت حضرت شفیع محشر زیاده از بیشتر الحاح و مبالغه نمود (میخواند ، ۱۳۸۰، ۴۲۳۰).



دوران غازان برای شیعیان دوره یی قرین آرامش و موفقیت بود . مکتب شیعه اثنی عشری به صورت یک مکتب اسلامی همراه با اصول روشن و نظام سنجیده و تشکیلات منظم دینی توانست پهلو به پهلو ی نوعی نظام مستقر دولتی که پیش از دوران غازان سابقه نداشت (اشپولر، ۱۳۶۸ ، ص ۳) ، قدم بردارد و بر غنای علمی و اقتدار خویش بیفزاید . در این دوره مراسم خاص شیعیان برگزار می شد و شیعیان در اظهار عقیده با آزادی عمل می نمودند . حتی غازان در کنار امور عمرانی - دینی ، مانند عمارت مساجد و خانقاه ها ، احداث دارالسیاده ها را در دستور کار قرار داده بود . در این باره در تاریخ آمده است : در شهرهای عراق و تبریز و اصفهان دارالسیاده فرمود و سادات را عظیم ، موقر و محترم داشتی (شبانکاره ای ، ۱۳۶۳ ، ۲۶۹) . وی همچنین در رفتار با علویان در مسیر عدالت حرکت می نمود . به عنوان مثال کاشانی می نویسد : در موضوع ظلمی که بدلیل تعصبات مذهبی بر فردی علوی رفته بود مجرمان را دستگیر و قصاص نمود (کاشانی ، ۱۳۴۸ ، ۹۱) . اعقاب حضرت علی (ع) را از پرداخت مالیات معاف نمود و اماکن متبرکه شیعیان را تعمیر و تزیین و خود نیز به زیارت این مراکز دینی رفت (همدانی ، ۱۳۷۳ ، ۳۶۶) .

غازان در پایان عمر اطمینان داشت که مغولان هرگز به دین پیشین بر نمی گردند او به بزرگان و اشراف مملکت پند داد که در ایمان به دین تازه پایدار باشند: اکنون باید که شما بعد از من طریق موافقت مسلوک دارید و



از مخالفت که عاقبت ذمیم و وخیم دارد احتراز و اجتناب و واجب و لازم شناسید... (میرخواند ، ۱۳۸۰ ، ۴۲۵۴).

جلوس اولجایتو فضای کشمکش بحث های جدلی - کلامی بین فرق مختلف اسلامی را تندتر کرد (۷۰۳ هـ - ۱۳۰۴ م) ضمن اینکه او مجموعه بی از ادیان پرطرفدار عالم را نیز تجربه کرده بود . وی از مادری مسیحی به دنیا آمد و نیکلای نام گرفت . پس او نخست مسیحی بود و پس از مرگ مادر همسر مسلمان او، اولجایتو را برای تشریف به اسلام تشویق نمود. اولجایتو اسلام را با اختیار پذیرفت و بر اثر نفوذ علمای حنفی خراسان، مذهب حنفی را برگزید (اقبال آشتیانی ، ۱۳۷۶ ، ۵۲۶). مستوفی ذکر می کند.

وی در سال ۷۰۷ هـ ق تحت تأثیر رشید الدین و نظام الدین قرار گرفت و مکتب حنفی را ترک کرد و به جای آن به مکتب شافعی پیوست (مستوفی، ۱۳۳۹ ، ۷۱۱).

با قدرت یافتن علمای شافعی ، بازار مبارزه بین عالمان حنفی و شافعی بسیار گرم شد که یکی از این مناظره ها که موجب تنفر اولجایتو گردید، مناظره بین پسر صدر جهان بخاری حنفی و خواجه عبدالملک شافعی یا نظام الدین مراغه ای شافعی است.

در این جدال و بگو مگوی، دو عالم اهل تسنن به مشکلات و ضعفهای فقهی یکدیگر پرداخته و ادب و نزاکت را رعایت ننمودند. و همین باعث انتقال اولجایتو به مذهب امامیه شد (عوفی ، ۱۳۸۹ ، ۵۹۹). کشمکش بین علمای



اهل سنت و تغییر مذهب اولجایتو به شیعه اثنی عشری دو سال طول کشید. غیر از برخورد هتاکانه علمای شافعی و حنفی دلایل دیگری از جمله وزارت تاج الدین محمد ساوجی (اشپولر ، ۱۳۶۸ ، ۱۶۵) که شیعه مذهب بود و باعث گردید که رفت و آمد شیعیان به دربار اولجایتو تسهیل و ارتباط دربار با علمای شیعه فراهم گردد نیز در تغییر مذهب وی مؤثر بوده است. همراهی علامه حلی با اولجایتو در سفری تا بغداد ، در آشنایی وی با شیعه مؤثر بود به نحوی که اولجایتو از علامه برای تدریس در سلطانیه دعوت نمود .

در این زمان علامه حلی در مناظره با یک عالم شافعی شرکت نمود که البته با توجه به قدرت استدلال ، علامه حلی برتری داشت ولی خواجه نظام الدین برای متفرق نشدن جامعه سکوت اختیار می کرد (شوشتری ، بی تا ، ۵۷۱). موضوع مهم مورد بحث در این مناظرات مبحث امامت بود. علامه حلی چنان با قدرت و با دلایل غیر قابل اغماض امامت و خلافت امام علی (ع) را اثبات نمود که به قول سلطان الواعظین راه تشکیک برای احدی از حاضران نماند تا جایی که خواجه نظام الدین گفت ادله جناب علامه بسیار ظاهر و قوی است ولی چون گذشتگان ما راهی را رفته اند ما هم باید برای اسکات عوام و جلوگیری از تفرقه کلمه اسلام آن راه را برویم و پرده دری ننماییم (سلطان الواعظین ، ۱۳۷۰ ، ۱۶۶).

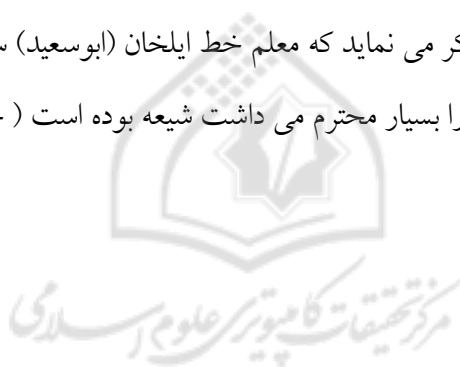


با توجه به مسایل پیشین ، امیر طرمطاز مغول که از شیعیان بود داوطلب گردید که شرایط رسمی شدن مذهب تشیع در قلمرو ایلخانی را فراهم نماید (ابن بطوطه ، ۱۳۵۹ ، ۲۱۹ - غفاری قزوینی ، ۱۳۴۳ ، ۲۶۷).

اولجایتو پا پذیرفتن تشیع دستور داد که بر سکه ها شهادتین ضرب گردد و اسامی دوازده امام بر گرد سکه ها به صورت مخمس مرقوم گردانید (آیتی ، ۱۳۴۳ ، ۳۰۲). پذیرش شیعه و اعلام رسمی آن با مقاومتی در اصفهان ، بغداد ، شیراز ، قزوین روبرو شد . مؤلف تاریخ جهان آرا می نویسد: بعضی از بیم قبول نموده اهالی اصفهان بقدم ممانعت پیش آمدند و قبول نمی کردند(غفاری قزوینی ، ۱۳۴۳ ، ۲۶۷). طرح تشیع به عنوان مذهب رسمی با مخالفت ها و رایزنی های ، متنفذین سنی اعم از سپاهی ، درباری ، عالم و عامی روبرو شد و موجب گردید اولجایتو از تصمیم خود بازگشته و پس از مدتی مجدداً اعلام مذهب تسنن نماید (میرخواند ، ۱۳۸۰ ، ۴۲۷۶). افرادی که در تغییر دین رسمی دخالت نموده بودند، نیز مجازات شدند (آیتی ، ۱۳۴۳ ، ۳۰۲). هر یک به تناسب، مجازات شدند یا کشته و یا بر چشمان آنها میل کشیده شد(میرخواند ، ۱۳۸۰ ، ۴۲۷۷).

با تغییر مذهب توسط اولجایتو رویه سابق برقرار گردید ، اما تغییرات به نفع شیعه مردمی در جریان بود . اعلان شیعه به عنوان مذهب رسمی، ضرب سکه با نام ۱۲ امام ، ورود اندیشه شیعی در دایره مرکزی قدرت و ... نشان داد که شیعه توانایی استقرار و ایجاد موازنه قدرت بین ادیان و مذاهب مختلف را دارد.

اولجایتو تا پایان عمر همچنان به جامعه شیعه توجه خاص داشت . و با مرگ خود نیز از تصادم شدید میان جامعه اهل سنت و شیعیان جلوگیری نمود (اشپولر ، ۱۳۶۸، ۱۹۶). چرا که در روایتی از المفضل آمده است که حمیض بن نماء المکی در روزهای پایانی عمر اولجایتو به وی توصیه نمود که به مکه لشگرکشی نموده و مقابر ابوبکر و عمر را ویران سازد (همان ، ۱۹۶) که همین امر می توانست آتش نبرد بین شیعیان و سنیان و بسته شدن فضای باز سیاسی - مذهبی پیش آمده در دوران مغولان گردد . ایلخانان بعدی مغول ابوسعید (۷۱۶ - ۷۲۶ هـ) با اینکه مذهب تشیع نداشته نیز همان رویه را نسبت به شیعیان ادامه دادند. خواندمیر ذکر می نماید که معلم خط ایلخان (ابوسعید) سید شرف الدین که ابوسعید او را بسیار محترم می داشت شیعه بوده است (خواندمیر، ۱۳۳۳، ۱۹۷).



نتیجه گیری

گرچه ارمغان تسلط مغولان بر ایران ویرانی و انهدام لوازم مدنیت در این کشور بود، ولی باید اذعان نمود که مغولان علی رغم برخورداری از شاخصه هایی چون، فرهنگ ضعیف، بت پرستی و نداشتن تقیدات مذهبی، راه را برای رشد و توسعه مذاهب مختلف و حتی ادیان گوناگون فراهم ساختند. این قوم صحراگرد با بکارگیری نوعی تسامح مذهبی موجب گردیدند ادیان گوناگون از قید مذهب مسلط سنی خارج شده و در فضای فقدان اعمال تعصبات دولتی و سیستمی به طی طریق در مسیر اعتلا و پیشرفت اقدام نمایند. شیعه امامیه یا شیعه دوازده امامی نیز از این فرآیند مستثنی نبوده و با سود جستن از فرصت پیش آمده بر توانایی و اقتدار علمی و تشخیص سیاسی خویش افزود. می توان گفت این فرصت قرنها بر اثر سخت کشی و تعقیب شیعیان توسط حکومتها و دیوانسالاران سنی مذهب از دست رس شیعیان بدور بود. به این ترتیب می توان ادعا نمود این بهره جستن از فرصت مذکور خود نشان از تیزهوشی و ذکاوت شیعیان داشته و موقعیت شناسی و بهره جویی از فرصت های پیش آمده برای شیعیان را به اثبات می رساند.

شیعیان در این برهه از تاریخ و با استفاده از توان افرادی چون خواجه نصیرالدین طوسی و سایر دانشمندان شیعه به تبیین پایه های فکری شیعه پرداخته و به صورت تدریجی راه خود را به درون قدرت و حاکمیت

مغولی بازکرده و از این فرصت نیز برای استحکام بیشتر خود سود می‌جویند.

البته موضوع به همین جا ختم نشده و تشیع با بهره‌گیری از وضع پیش‌رو و پس‌از قلع و قمع اسماعیلیان، از فضای روشن‌پدیدار شده برای ابراز عقیده و اعلام فرائض و دوری از تقیه نیز نهایت استفاده را برده و تا سالهای سال و حتی قرن‌ها بی‌هیچ مشکلی به انجام تکالیف شرعی خویش مبادرت می‌نمایند. عالمان شیعه با استفاده از گسترش تصوف در این دوره برای نفوذ بیشتر باورهای شیعی بین مردم تلاش کرده و به عمق بخشی به نگاه شیعیان پیرامون عرفان، زهد، عبادت، عدالت‌گرایی و ظلم‌ستیزی می‌پردازند. همین امر موجب می‌گردد که عالمان برجسته و سیاست‌مداران شیعه زمینه توسعه و تعمیم این مذهب را در قلمرو ایلخانان و حتی در ماوراء آن فراهم آورند. می‌توان گفت تسامح مذهبی مغولان موجب گردید شیعه به چنان قدرتی برسد که حکومت‌هایی هرچند پر قدرت و خونریز همچون تیمور نیز ناگزیر شوند با شیعیان و نمادهای شیعی، روش‌سازگاری و مماشات در پیش‌گیرند.

در نتیجه می‌توان گفت حمله مغولان به ایران اگرچه با نام‌لایمات و ددمنشی‌هایی همراه بود اما باعث شد، مردم ایران به رهبری عالمانی فرهیخته و نیز با استفاده از فرصت پیش‌آمده در دوران

مغول و عصر ایلخانی، اندیشه های متعالی خود را پرورش داده و قدرت شان را در ایران افزایش دهند. به نحوی که تمامی قدرت های حاکم بر ایران مجبور به کنار آمدن با شیعه شده و همین امر گسترش روز افزون شیعه در ایران و تشکیل اولین حکومت شیعی در جهان در زمان صفویه را به همراه داشت.



منابع

- آبویل جی ، تاریخ ایران کمبریج ، مترجم حسن انوشه ، جلد پنجم ، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷ .
- آژند، یعقوب ، قیام سربداران ، امیرکبیر ، تهران ، ۱۳۶۵ .
- ابن بطوطه ، سفرنامه ابن بطوطه ، ترجمه محمدعلی موحد ، تهران ، ۱۳۵۹ .
- ابن عربشاه ، زندگی شگفت انگیز تیمور ، تصحیح نجاتی ، انتشارات علمی ، چاپ سوم ، ۱۳۶۵ .
- اسمیت ، جان ماسون، خروج و عروج سربداران ، ترجمه آژند ، دانشگاه تهران ، اردیبهشت ، ۱۳۶۱ .
- اشپولر، برتولد ، تاریخ مغول در ایران ، ترجمه محمود میرآفتاب ، انتشارات علمی و فرهنگی ، چاپ سوم ، ۱۳۶۸ .
- الحضره ، و صاف ، تحریر تاریخ و صاف ، به قلم عبدالحمید آیتی ، تهران بنیاد فرهنگ و ایران ، ۱۳۴۶ .
- الشیبی ، مصطفی کامل ، تشیع و تصوف ، انتشارات امیرکبیر ، چاپ پنجم ، تهران ، ۱۳۸۷ .
- اقبال آشتیانی ، عباس ، تاریخ مغول (تاریخ مفصل ایران و اوایل ایام تیموری) ، چاپ خورشید ، تهران ، ۱۳۷۶ .
- اقبال آشتیانی ، عباس ، ظهور تیمور ، بکوشش هاشم محدث ، انتشارات آثار ملی ایران ، ۱۳۶۰ .
- اقبال آشتیانی ، عباس ، تاریخ مغول ، نشر نامک ، چاپ اول ، ۱۳۷۶ .



الاسفزاری ، معین الدین محمد الزمجدی ، روضات الجنات فی اوصاف
مدینه لهرات ، به سعی و اهتمام محمد اسحاق ، چاپخانه پاسری کلکته ،
انتشارات دانشگاه علینگر هند ، ۱۳۸۰ هـ - ۱۹۶۱ م .

باسانی .آ ، (دین در عهد مغول) تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا
فروپاشی دولت ایلخانان ، ترجمه حسن انوشه ، ج ۵ ، دانشگاه کمبریج ،
تهران ، ۱۳۶۶ .

بیات ، عزیزاله ، تاریخ مختصر ایران ، انتشارات دانشگاه ملی ایران ،
۱۳۵۷ .

پطروشفسکی ، ایلیا پاولویچ ، نهضت سربداران ، ترجمه کریم کشاورز ،
فرهنگ ایران زمین ، ج ۱۰ ، تهران ، ۱۳۴۱ .

پطروشفسکی ، ایلیا پاولویچ ، کشاورزی و مناسبات ارضی ایران در عهد
مغول ، ترجمه کریم کشاورز ، انتشارات نیل تهران ، چاپ سوم ، ۱۳۵۷ .
پطروشفسکی ، ایلیا پاولویچ ، اسلام در ایران ، ترجمه کریم کشاورز ،
تهران ، ۱۳۵۴ .

پیرنیا ، حسن ، اقبال ، عباس ، تاریخ ایران ، کتابفروشی خیام ، چاپ
چهارم ، ۱۳۶۴ .

حافظ ، ابرو ، زبده التواریخ ، سید کمال الدین حاج سید جوادی ، نشر
نی ، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، چاپ
اول ، ۱۳۷۲ .

حافظ ، ابرو ، نوراله عبدالله بن لطف اله بن عبدالرشید البهدا دینی (
الخوانی) ، ذیل جامعه التواریخ رشیدی ، به اهتمام خانابا بیانی ، ج ۲ ،
تهران انجمن آثار ملی ، ۱۳۵۰ .



جوینی ، عظاملک ، تاریخ جهانگشا ، نگارش منصور ثروت ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۶۲ .

جوینی ، علاء الدین عطا ملک ، تاریخ جهانگشا ، به اهتمام محمدبن عبدالوهاب قزوینی ، لندن : مطبعه بریل ۱۳۵۵ .

خواندمیر ، غیاث الدین بن هماد الدین الحسینی ، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر ، تهران ، کتابخانه خیام ، ۱۳۳۳ .

راوندی ، مرتضی ، تاریخ اجتماعی ایران ، انتشارات نگاه ، ج چهارم ، بخش اول .

سمرقندی ، دولت‌شاه ، تذکره الشعراء ، تصحیح فاطمه علاقمند ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران ، چاپ اول ، ۱۳۸۵ .

شبانکاره ای ، محمدبن علی بن محمد ، تصحیح میرهاشم محدث ، انتشارات امیرکبیر ، ج اول ، ۱۳۶۳ .

شمیم ، علی اصغر ، ایران در دوره سلطنت قاجار ، شرکت چاپ و انتشارات علمی ، چاپ اول ، ۱۳۴۲ .

شوشتری ، نورالله ، مجالس المومنین ، تهران ، کتابفروشی اسلامیه .

شیرازی ، سلطان الواعظین ، شبهای پیشاور ، ناشر دارالکتاب الاسلامیه ، چاپ ۳۴ - ۱۳۷۰ .

صمیمی ، مینو ، دین و مذهب در عصر صفوی .

طباطبا محمدبن علی (ابن طقطقی) ، تاریخ فخری ، ترجمه محمد وحید گلپایگانی ، انتشارات علمی و فرهنگی ، چاپ سوم ، ۱۳۶۷ .

طباطبایی ، سید محمدحسین ، شیعه در اسلام ، تصحیح محمدعلی کوشا ، انتشارات نشر ، چاپ ششم ، ۱۳۸۵ .



عطار نیشابوری ، ابن حامد محمدبن ابی بکر ابراهیم الشهیر بفرید الدین ،
تذکره الاولیاء ، به سعی و اهتمام رنولد آلن نیکلسون چاپ لیدن ،
انتشارات موالی ، ۱۳۳۲ .

عوفی ، محمد ، لباب الالباب ، بکوشش سعید نفیسی ، چاپ فرهنگ ،
۱۳۸۹ .

غفاری قزوینی ، قاضی احمد ، تاریخ جهان آرا ، کتابفروشی حافظ ، ری ،
۱۳۴۳ .

فراهانی منفرد ، محمد مهدی ، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به
ایران ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۸۸ .

فصیحی ، مجمل ، تصحیح محمود فرح ، کتابفروشی باستان ، بخش دوم
، ۱۳۴۰ .

قزوینی رازی ، عبدالجلیل ، النقض ، تصحیح سید جلال الدین محدث
ارموی ، انجمن آثار ملی تهران ، ۱۳۵۸ .

کاتب یزدی ، احمد بن حسین ، تاریخ جدید یزد ، به کوشش ایرج افشار
، تهران ، امیرکبیر ، ۱۳۶۶ .

کاشانی ، ابوالقاسم ، تاریخ اولجاتیو ، به اهتمام مهین همبلی ، انتشارات
نشر کتاب ، ۱۳۴۸ .

کربلائی تبریزی ، حافظ حسین ، روضات الجنان و جنات الجنان ،
تصحیح جعفر سلطان القرایی ، تهران ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ،
۱۳۴۸ .

مرعشی ، میرسید ظهیر الدین بن نصیرالدین ، با مقدمه جواد مشکور ،
تصحیح محمد حسین تسبیحی ، انتشارات شرق ، چاپ دوم ، دی ماه
۱۳۶۱ .



مزاوی ، م میشل ، پیدایش دولت صفوی ، ترجمه یعقوب آژند ، گستره ، ۱۳۸۸ .

مستوفی ، حمداله ، نزهة القلوب ، بکوشش محمد دبیر سیاقی ، تهران ، ۱۳۶۶ .

مستوفی ، حمداله ، نزهة القلوب ، گای لسترنج ، انتشارات اساطیر ، چاپ اول ، ۱۳۸۹ .

مستوفی قزوینی ، حمداله بن احمد بن نصر ، تاریخ گزیده (۷۳۰ ق) ، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی ، تهران ، امیرکبیر ، ۱۳۳۹ .

میرخواند ، محمدبن خاوند شاه بن محمود ، روضه الصفا (فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء) ، تصحیح جمشید کیان فر ، انتشارات اساطیر ، چاپ دوم ، ۱۳۸۰ .

نعمه الله الولی ، ابن عبدالله محمد ، دیوان ، تهران ، ۱۳۳۶ .
ولایتی ، علی اکبر ، نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلامی ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۸۹ .

همدانی ، رشید الدین فضل اله ، جامع التواریخ ، تصحیح محمدروشن ، مصطفی موسوی ، تهران ، البرز ، ۱۳۷۳ .

یزدی ، شرف الدین علی ، ظفرنامه ، تصحیح میرمحمد صادق عبدالحسین نوایی ، انتشارات کتابخانه موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ، چاپ سوم ، تهران ، ۱۳۸۷ .

مقالات:

آهنچی ، آذر / عبادی ، مهدی ، بازخوانی رسمیت یافتن تشیع در ایران در عهد اولجایتو.

بارانی ، محمدرضا ، گرایش ایرانیان به تشیع در عصر ایلخانان ، مجله معرفت ، فروردین ، ۱۳۸۱ .

ترکمنی آذر ، پروین ، فعالیت سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران ، مجله شیعه شناسی ، شماره ۱۲ ص ۳۸ ، زمستان ۱۳۸۴ .

ترکمنی آذر ، پروین ، موقعیت شیعیان ایران در دوره ایلخانان ، عضو هیأت علمی سازمان سمت .

عباسی ، جواد ، بررسی سال شمار رسمی شدن تشیع در عصر حکومت ایلخانان ، دانشگاه فردوسی مشهد .

